

متن پرسش

با سلام: نزدیک سه ماه پیش پدرم برای یک عمل سرپایی به بیمارستان رفتند. رفتن ما به بیمارستان برای این عمل همانا و نزدیک ۴۰ روز بستری بودن پدرم در آی سیو و نهایتا فوت ایشان همانا. در این ۴۰ روز می توانم بگویم خداوند توفیق دعا کردن به شیوه های مختلف و ختم های مختلف را به ما عنایت کرد. به طرز عجیبی هر دعا یا مجلس مجربی می شنیدیم شرایط انجام آن فراهم می شد. شاید در عمرم هیچ گاه اینگونه با امید دعا نکردم و در این مدت آنقدر از نظر پزشکی امیدوار و ناامید شدیم که می توانم بگویم ترک خوردیم ولی باز از خدا ناامید نشدیم اما نشد. و حالا نمی دانم چطور توجیه کنم آن همه دعای مستجاب نشده را. اگر قرار نبود مستجاب شود چرا خدا خواست این همه با امید صدایش بزنیم؟ از نظر اعتقادی دچار مشکل شده ام. خیلی مواردی که در دین به صورت قطعی گفته شد خلافش را تجربه کردم. نه دعایم زیر قبه امام حسین (ع) مستجاب شد نه تربت امام حسین (ع) شفا داد نه دعای دل شکسته مستجاب شد نه دعای کسی که با امید و حسن ظن خدا را صدا زد مستجاب شد نه اندوه دل کسانی برطرف شد که حدیث کسا خواندن. هر بار به آن قسمت حدیث کسا می رسم که پیغمبر قسم می خورند با تمام امید می خوانم ولی بسیاری وقت ها نمی شود. در حال حاضر دیگر هرچه از احادیث و روایات می شنوم با خودم می گویم معلوم نیست بشود و دوباره تا خلافت اتفاق افتاد توجیهش می کنند. می خواستم سیر مطالعاتی را ادامه دهم ولی احساس می کنم این سوالات نمی گذارد رابطه من و خدا درست باشد. لطفا مرا راهنمایی کنید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی تقدیری مشخص در صحنه است، با دعا تغییر نمی کند ولی شرایط دعا فراهم می شود تا زمینهی اُنس با خدا شکل بگیرد و آن مرحوم هم در سیر خود بهتر سیر کند.
موفق باشید